

سالگرد شهادت امام هادی (ع) را تسلیت می گویم. به زندگانی ائمه اطهار بطور کلی دو نگرش وجود دارد. یک نگاه تاریخی داریم، که تحولا و اتفاقاتی که از بدو تولد امام رخ می دهد تا بعد که نگاه عام و ساده ایست. بررسی و تحلیل علت جریانات است و صاحب نظر خواستگاه جریانات را مورد دقت قرار می دهد و نتیجه می گیرد و ربط می دهد به اتفاقات آینده. این ها دیدگاه هایی هستند که روی هم رفته می شنویم و باید اهمیت قائل شویم. و یک نگاه خاص داریم در رابطه با جایگاه ایشان و موقعیت وجودی این اولیاء الهی در این نگاه دوم، ایشان یکه تاز میدان هستند. نه اینکه تک باشند که اصلاً رقیب ندارند همانطور که «قل هو الله احد» ایشان نیز مظهر ان «احد» بالذات هستند. اصلاً همتا ندارند همانطور که علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید که ﴿لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدًا﴾ [۱] هیچکس با ما قابل مقایسه نیست. بنابر این در نگرش دوم هیچکس در مقابل ایشان مطرح نیست. کسی نمی تواند درگیر شود چون سالبه به انتفاء موضوع [۲] است. چون کسی به آنها دسترسی ندارد مانند اینکه کسی با خورشید درگیر نیست چون در دسترس نیست. امام در نگاه تاریخی دشمنان زیادی داشتند، میلیون ها دشمن داشتند به اشکال مختلف در ظرف زمان و مکان مختلف صف آرایی کردند همانطور که پیامبران اینگونه بودند. توطئه ها کردند به طرق مختلف درگیر شده اند. اما در نگاه دوم هیچکس با امام درگیر نشده است. چرا؟ چون به امام دسترسی ندارد چون آن جا که امام باشد دیگر کسی نیست. هیچکس در آن مرحله نیست و نمی تواند قرار بگیرد تا هنوز بخواهد درگیر شود، که البته اگر و آن مرحله قرار بگیرد درگیری به آن تعریف نمی شود. این که در مورد ائمه به ما سفارش و تاکید شده است در مورد نگاه دوم است. نگاه اول مقدمه و پایه است که ره توشه ای باشد جهت انتقال به مرحله ی دوم. تا بتوانیم از امام بهره برداری کنیم. در نگاه دوم ایشان حاکمان حقیقی هستند در عالم امکان و در عالم ملک. بغیر از ایشان تا به حال کسی حاکم نشده است. همیشه ایشان حاکمند هم در حال و هم در آینده و هیچوقت بغیر ایشان خداوند کسی را حاکم قرار نداده چون محال است. چون حکمت و تدبیر الهی سازگار نیست که مجموعه آفرینش را بغیر اولیاء الهی بسپارد. همانطور که شایسته سالاری داریم. یقیناً خداوند با شایسته سالاری اقدام کرده است. به همین خاطر اولین قدمی که روی زمین گزارده پیامبر بوده است. یعنی اول مدیر آمده بعد معاون و بعد ارباب رجوع، اول کسی می آید که حاکمیت با اوست، به این علت قرآن می فرماید هیچ زمانی نیست که زمین از حجت الهی خالی بماند. حجت الهی قبل الخلق است و مع الخلق و بعد الخلق در مورد بعد الخلق یعنی همین که پایش را حجت الهی از زمین برداشت قیامت می شود. آن هم علت دارد چون پا از زمین که بردارد، زمین برای اهلس که گناهکار بودند تمکین نمی کند، جهان حاکمه نظام امکانی متلاطم می شود مانند غذای مسموم که آرامش دستگاه گوارش را بهم برزند. اگر بنگرید در مورد پیامبران که در سوره هود و شعرا آمده است، پیامبرانی که محدود پیامبری می کردند البته در یک زمان چندین پیامبر بودند در مناطق مختلف. این که در قرآن از حضرت نوح، صالح، هود ذکری به میان آمد چون در آن مناطق می خواستند که بلا نازل شود، پیامبرش خارج می شود. همان قیامت بر پا شدن. قیامت در روی زمین بصورت محدود بر پا شده است. یعنی ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ [۳] که مربوط به قیامت کبری است در مقیاس کوچک چندین بار اتفاق افتاده است. با نفرین پیامبران سابق عذاب نازل شده و عده ای به همراه پیامبرشان نجات یافته اند. خداوند می فرماید همین که قرار شد بلا نازل شود به پیامبر آن قوم گفتیم که بیرون بیا و بلا آنجا را می گرفت، مشخص می شود که در حوزه ی فعالیت پیامبران سابق محدود بودند که از آن محدود بیرون می آمدند بلا نازل می شد، که خداوند نیز مدیریت خاص می کند گاهی به آب می دهد و گاهی به باد و گاهی به زمین که به هر سه همزمان

[۱]. نهج البلاغه: الخطبة ۲، غرر الحکم: ج ۶ ص ۴۳۲ ح ۱۰۹۰۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۳۵ ح ۹۸۰۲، بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۱۱۷ ح ۳۲

[۲]. سالبه به انتفاء موضوع یعنی وقتی وقتی مقدمه ۱ چیز منتفی میشه، خود اون چیز هم منتفی. مثلاً آگه فراره چیزی با آتش گرم بشه، در صورتی که آتش منتفی باشه، گرما هم به دنبالش منتفی و تا آتش نباشه گرما نیست.

[۳]. سوره زلزله آیه ۱

اجازه نداده است، اگر بنگرید گاهی به آب دستور می دهد که آنها را عذاب کن و گاهی به زمین که آنها را فرو برید و گاهی به باد. به هر صورت حجت الهی اگر برای کل عالم باشد اگر پا از زمین بردارد کل عالم متلاشی می شود اما حجتی که برای محدوده خاص باشد! بلا برای آن محدوده خاص است. بنابر این آن طور که از قرآن استفاده می شود امامان همیشه حاکمند و ما باید تخت حاکمیت ایشان، که حاکمیت آن ها ظهور حاکمیت الهیست، رشد کنیم. بزرگترین هنر ما این است که بتوانیم خودمان را به شهری که ولی الهی حاکم آنجاست برسانیم و شهروند آن جا شویم. این امر را از ما می خواهند. ما شهروند کجاییم؟ در کدام شهر زندگی می کنیم؟ آیا ما در شهری زندگی می کنیم که حاکمش حجت الهی است یا جایی که خاله بازی می کنند و فضا، فضای تعامل کودکانه است. ما در شهر بازی زندگی می کنیم در پارک کودکانیم یا در شهر بزرگان؟ در نگاه قرآن انسان ها دو گونه اند بطور کلی یا بچه اند که بیش از ۹۵٪ بچه اند یا بزرگ. قرآن می فرماید عده ای هنوز به سن بلوغ نرسیده اند. نقل می کنند اسکندر مقدونی از قریه ای که مسلط شده بود در قبرستان شکل روی قبرها را بررسی می کرد قبرها بزرگ بود ولی سن ها پایین بود ۲ سال، ۳ سال! سن مفیدشان را روی سنگ ها زده اند تا مردم تشویق بشوند برای مفید زیستن. دیدگاه قرآن نیز اینگونه است، کودکان ۷۰ ساله هستند و خیلی ها مانند حسین فهمیده ۱۳ سال داشتند و هزاران سال زیستند. ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ [۱] اما درک شب قدر کردند. در قیامت معلوم می شود که چند هزارسال مثلاً حسین فهمیده عمر کرده بود. اما برخی نیز، بر عکس یک سال هم عمر نکردند. به همین علت در مورد امامان هم این بحث است، که آن امام که از همه کمتر عمر کرده اند، یک روز عمرش بالاتر از اندازه ی استفاده تمام انسان ها بعد از اولیا از اول تا آخر است. امام از یک روزش میلیون ها سال استفاده می کند و هنوز با وجب های ماست که ما فوق آن است چون آنجا مسائلی است شتاب و سرعتی که دارند از ثانیه و آینه جلو می افتد که بحث دارد. انسان به اندازه ای سرعت می گیرد که از ثانیه و آینه جلو بزند. به همین خاطر به طی الارض موفقند در یک ثانیه کار یک ماه را انجام بدهند. عاصف بن مرضیا که در قرآن مطرح است. یعنی به قدری سرعت و شتاب دارد که در کمتر از یک چشم بهم زدن به کاری اقدام می کند که افراد عادی آن کار را در یک ماه انجام می دهند. بنابر این امامان دو بخش حیاتشان مورد توجه است. بخش تاریخی و یک بخش موقعیت وجودی از آن مقام و مرتبت بررسی شوند، تنها هستند، هیچکس دیگری وجود ندارد. بنی عباس و بنی امیه در حیات تاریخی امام مطرح هستند. مانند اینکه یک دانشمند را از جهات حیات علمی بررسی می کنند که دیگر حرف از همسر و فرزند نیست. چون فرزندان با او خیلی فاصله دارند در بحث علمی. امام گاهی حیات تاریخی او بررسی می شود که از در و دیوار هم سخن گفته می شود! در حیات عرفی امام هم اینگونه است که از در و دیوار آدم می بارد ولی در حیات ولایی از کسی خبری نیست. ما تلاش کنیم شهروند شهر ولایی امام شویم. ما هیچ جاره ای نداریم جز این. چرا گفته اند هجرت کن؟ این که از جایی به جایی می روند و کلی مشکلات تابعیت و پناهندگی دارند تا قبول کنند که شهروند آن کشور شود. ما مهاجرت باید بکنیم به شهر انبیاء و اولیا الهی و در آنجا هم سماجت و التماس کنیم تا ما را به شهروندی قبول کنند و حکم تابعیت بزنند و بشویم ﴿سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ﴾ [۲]. این فرمایش امیر مومنان (ع) است که خدا رحمت کند کسی را که بداند اهل کجاست؟ با خیالات که نمی شود [۳]. اگر در شهر اولیاء الهی باشی مرگ نیست. به امام السلام علیک یا حجه الله می گوئیم. در نگاه تاریخی تولد و مرگ هست. این ها حاکمان شهر عشق هستند. ما تلاشمان باید در این راستا باشد، نه در عالم تخیل، باید حقیقتاً شهروند بشویم. راه آن چیست؟ قرآن بیان می فرماید هجرت مصنوعی که هجرت کبری است از خود به خدا هاجر شود. یک جهاد اصغر داریم و یک جهاد اکبر و درگیری با نفس و شیطان. هجرت اکبر هم سخت است. قرآن

[۱]. سوره قدر آیه ۳

[۲]. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۱؛ ج ۱۱، ص ۱۴۸ و ۳۱۳؛ ج ۱۷، ص ۱۷۰

[۳]. امام علی (ع) می فرماید: «خداوند رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده؟ در کجا [به سر می برد]؟، و به سوی کجا [در حرکت] است؟»

توصیه به هجرت دارد. هجرت از شهر بازی به شهر بزرگان. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ [۱] چرا درخواست داریم ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [۲] یعنی ما را به راهی هدایت کن که به شهر اولیا برسم. اکثر انسان ها بدنبال اسباب بازی هستند ﴿أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ﴾ [۳] ۹۹٪ انسان ها مشغولند به بازی. ریشش سفید شده است و دست بر نمی دارد. آقای جوادی می فرمودند با مرحوم الهی قمشه ای بودیم پیرمردی سمعک به گوش داشت مرحوم الهی قمشه ای فرمودند که سمعک را چرا بر گوش گذاشته ای! خدایی که گوشت را ضعیف کرده یعنی باید صدای دیگری بشنوی نه اینکه با سمعک دوباره حرف های گناه و لغو بشنوی. انسان باید تلاش کند از بچگی نجات یابد. ریش سفید است و هنوز به ذهنش هم خطور نمی کند که باید با بزرگان نشست و برخاست کند. باز به دنبال اسباب بازی هست. خب جای بحث زیاد است و نیاز به بسط دارد. این هیئت ها به این خاطر است که ما را شهروند شهر اهل بیت (ع) بکنند. باید مراقبت کنیم. اگر بخواهیم ما را هم خواهند برد ولی نمی خواهیم.

خدایا ما را به احترام امام هادی (ع) عاقبت به خیر کن.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[۱] . سوره حمد آیه ۷

[۲] . سوره حمد آیه ۶

[۳] . سوره حدید آیه ۲۰